

چریکهای
فدائی خلق
ساخته سازمان

خبرنامه

۲

پایید در جریان مبارزه توده ها
در هر شکل و سطحی که
یافتند قرار داشتند

"در تکمیر آن بکوشید"

مقالات

در مقاله

در روز دوشنبه ۲۳ / ۷ / ۵۸ در این سوی کشور ما دست امپریالیسم از آستین عبا در آمده و مردم سخت کوش و زحمتکش
انزلی را به "بهبان" جلوگیری از رسیدن ریه به خون کشانید . این بابانوش های عمامه به سرحتی با همان حملات
رژیم گذشته "جلوگیری از رسیدن ریه به عیادان بی دفاع ما را بخون کشیده اند . آنها از عیادان به ریه مردی
جلوگیری می کنند تا با ریه نا مردی به عیاد بپردازند و تمامی آنها را به بازارهای اروپا و آمریکا و حتی های درجه یک
داخلی که مملی برای اقامت اربابان امپریالیست و فارتگران داخلی آنها است / عرضه دارند . این تازه بدوران رسیده ها
بی شرمانه حتی در شرابخانه کتونی که خلین ما از کمبود مواد غذایی از جمله گوشت رقی می برد / به شیوه گذشته منابع
غذایی ما را به بیگانگان تسلیم میکنند و اعتراض بر چس توده ها را با گلوله سری آمریکائی پاس میدهند . آنها بدین
خاطر این مواد غذایی را از مردم ما دریغ می دارند تا با فروش آن در بازار های خارجی درآمدی کسب کنند و در
آمد حاصله را بعنوان وام در اختیار سرمایه داران فراری بگذارند / خسارت بانکهای خصوصی را با عنوان فریب کارانه ملی
شدن بانکها بپردازند و تا شاید اقتصاد ملیت که رژیم قبلی گرد سر آنها با جابجایی فراوان لازمه ورود به
دوران تمدن بزرگ جلوه داده بود / تحت عنوان فراهم آوردن شرایطی که "لیبرال" "عداسلامی" و "ورود به . . .
"حکومت جمهوری اسلامی" را بشارت دهد / براه اندازند . ولی مترجمین بدانند که مردم قهرمان ما "خصوصا" در
لین یکسال مبارزه خشونت بار خود علیه امپریالیسم و جیره خواران داخلی امر آموخته اند که دیگر بجز دوران داخلی
ایگان نوگری ندانند . اگر چه هنوز بخشی نمائی از مردم ما ما اهمیت شما را نمی شناسند . اگر چه امروز خاله مقدس
ما را شناخته اند اما این است برای توده ما در درک ۱۰۰٪ موریت نمایان ولی هر جا مردم "پره" عربان شما را می بینند .
بیایم خیزند و زرادخانه امپریالیستی را که امروز بدست شما تسلیم گشته خلق سلاح میکنند و آنها بر فرزند شما نوگران
داخلی و پیشروان قدرت بدستشان می گویند نماند که در کشید / کردستان / خوزستان و امروز در انزلی کوبیده اند .
با قیام قهرمانان مردم ارتش این ارگان زور امپریالیسم از عم انجمن سابقتر از دست داد از جمله بی آمدن های این
قیام فلاحی شدن گارد شیلات بود و توده ها از جمله عیادان از این شرح و صبح در ارگانهای سرکوب سود جسته و به
بهره برداری از منابع طبیعی کشور وینف خود و مردم پرداختند . پیر از تلاش گارد شیلات که در لی دوران خود شماره
در بند عیادان بود عیادان توانستند با خیالی آسوده و با تشریح پیگیر و وسائل ابتدائی به در اوج
خروشان و غنیمت دریا بزنند تا مانی مورد احتیاج مردم را تا" بین کنند ولی بتدریج که سپاه پاسداران بجای گارد
شیلات سازمان می یافت اینجا و آنجا سلحمانه از فعالیت اقتصادی این زحمتکشان و محرومان جلو می گرفت . مترجمین
برای گروهان نگه داشتن قلمی دست مردم از دریا دست بحمله و فریب کاری زده اند و از عیادان مهلت خواستند تا روز
۲۵ / ۷ / ۵۸ و تا همین تکلیف قلمی از در دولت و امام / موقتا" از عیاد خودداری کنند . عیادان صبور و فداکار ما
بی باین فریب رژیم نبرده اند و در انتظار مهلت و تدبیر تسلیم نشستند غافل از اینکه آنزمان که باید روشن شدن مسئله
در خود سر کرده بودند / این مدعیان حکومت مردمی بر این یک برنامه ویا عجله و شتاب به تعداد پاسداران
مزدوری افزودند و در حقیقت در مقابل نیروی لایزال مردم را سازماندهی میکردند و میدادند که بخیا خودشان
قدرت مقابله با مردم را یافتند حتی نگذاشتند که موعد توافق شده پایان یابد ویا یک حرکت تحریک آمیز در روز دوشنبه
۲۳ / ۷ / ۵۸ روز زودتر از پایان موعد مقرر اقدام به رسید نمودند . این گونه فکرا نیروی لایزال خلق را بخیا خود

ناچیز شمرند . ولی صفوت مشکک مرد چنان درسی به آنها داده که مراسم تراس مذبحخانه ای را برای لوسکردن مبارزات مردم نزد توده های سایر مناطق آغاز نمودند . آنها به شیوه معمول فریاد بر آوردند که " فدائیان و فدایان انقلاب به تحریک و تولاک پرداختند " این اولین بار نیست که دشمن برای مشرب کردن از عیان توده ها و برای سلب اعتماد توده ها از پیشانیان بدین دست به این تولاک می زند . آنها سرگوب مردم ترکن را هم با این جنرات و نمایشات مسخره بخیان خودشان سرورسنگ داشتند . هر جا که توده ها علیه ستم امپریالیستی میایستادند / دشمن فریاد بر می آورد " فداان انقلابیون " و فدائیان تولاک می کنند . مای برسیم اگر مقبول شما دفاع از مبارزات برجسته توده ها است . ما افتخار میکنیم که در جهت مظلوم مبارزات برحق توده ها باشیم / زنی افتخار اگر به و انهم در پیشاپیش توده ها و جبهه با آنها جان خود را در راه آرمان عالی شان هدا کنیم / این افتخار ماست و نام ما هم از همین علم ما گرفته شده است . رفقای ما در گذشته نشان داده اند که واقعا " فدائی خلیف برده اند و امروز هم هر جا بخان حمله نمود بعد توانائی خود در سازماندهی آن خواصیم کوشید . ولی مردم بدانند که بعد انقلاب کمائی هستند که تا بیرون در زندانهای رژیم برای نجات زندگی حقیر خود با مجیز کشی ساواکیها و برای خدمت به رژیم در دلون زندان به خیر جانی برای پلیس و طبقه زندانیان مبارز مشغول بود و امروز در لیاس صفاون نخست وزیر و به نمایندگی او به کردستان اعزام میشوند ضد انقلاب کمائی هستند . که برای نجات زندگی حقیر در مراسم سیاسی " انقلابیون " در ۴ آبان ماه شرکت کرده اند و اکنون نماینده برجسته مجلس خبکان / مشاور نزدیک خمینی و اعضای شورای انقلاب و ... هستند و ادعای خیره و ... توده ها را بدین می کنند همانطوریکه فدائیان همچنان در صفوت خلیف باقی مانده اند زیرا که حاجی انبیا هم ... هم در جهت ماعتیت گذشته خود دارند به امپریالیسم خدمت میکنند هیچ چیز عو نشده جز رفتن لیاس و رنت چهره . فیلم تلویزیونی آبانماه ۶۶ را نشان دهید تا مردم بهتر این مدعیان درونی گورا بشناسند . نوکران ابله و کوفته فکر امپریالیسم و تنی صفوت مشکک مرد را دیدند / وقتی که دیدند که این صفوت دافعا : " لبرت میوادان و مردمان خدایه شداد فخرده تر و زمین تر می شود تا کبان از در دگر وارن شدن ویا لخن پیروز خوانمانه پرد پس دادند و تمام کثاعتان را بگردن مسئولین امور و سو مدیریت آنها گذاشتند . این " پیسز " تودیه رابه این خاطر انتخاب نموده اند تا در لیاس مردی در آیند و از درون صفوت آنها را مقرون سازند و پیر آنگاه حربه نجاتی را وارد کنند . آنها با بیرون بردن پاسداران غیر بیوس و دخالت ارتش و اذیت و تنهن سازی که این پاسداران بی تجربه و احمقان " نا آگاه بوده اند که این غافل را بیمار آورده اند این بهیچ وجه برنامه دولت نبوده است . این حرفها را در درباری می زند که توده ها ک رهم را مورد هجوم قرار داده اند .

آنها بدین وسیله می خوانند از همان توده ها را از سمت اصلی آن یعنی حمله به ک رژیم منحرف سازند و تمام کثاعتان را بگردن مسئولین و افراد بلندارند کاری که رژیم منحرف پهلوی هنگام قیام مردم تبریز به آن مشقت گشت . رژیم برای فروب کز کردن خشم و نفرت مردم و جلوگیری از تشنگ در جریان این مبارزه / موقعا " عید را آزاد اعلام کرد / منتها به این شرط که ماهیان حرام گوشت عید نشود . مقصود آنها از ماهیان حرام گوشت ماهیان ماهی خاویار است که باید کماکان بسا مهفت فریب کاری " حرام " از دست مردم ما خارج شود و برای هتلهای کشور های اروپائی صادر گردد .

صیادان آگاه میدانند که گرچه این عقب نشینی به بهای خون دهها نفر از عزیزان شان بدست آمده است ولی این حالت موقتی است . آنها میگویند همانطوریکه بعد از قیام ۲۱ بهمن و تلاش شدن زاندارم و نگارند شیلات و نبودن سپاه پاسداران ما می توانستیم به صید بیرون ازیم همانطوریکه بلا فاصله پس از سازماندهی سپاه پاسدارسینه های ما دوباره آماج گولهای این ریشوهای مزدور قرار گرفت . این بار هم پس از مدتی و صحو آثار جنایت شان و پاسازماندهی و امکانات بیشتری بما حمله خواهند کرد . پلی درست حدس زده اید واقعا " زندگانی چه خوب به شما درس زندگی آموخت پس برای اینکه از دستاوردهای خونهای عزیزان پاسداری کنید برای اینکه تمام امکانات و وسای صیدتان که با هزار گرفتاری ویا و ... بدست آورده اید / یک شبه بوسله پاسداران جمی نگردد / برای اینکه تمام همتی خود را یکشبه از دست ندهید / باید هشیار باشید صفوت خود را متشککتر سازید / سلاحهای را که در این مبارزات بدست آورده اید دوباره تحویل این نامرمان ند دهید تا با همین سلاحها سینه های ستبر شما را همد گیرند . همانطوریکه در عهد دیدید حکومت جمهوری اسلامی یعنی کشتار مردم بی گناه یعنی اختناق در دانشگاهها / یعنی مبارزین صابن مبارزینی . حماسه آفرین را فاسد خواندن یعنی خلقهای کرد / ترکن / عرب را عاملین بیگانه نامیدن / دانرا جوانان مبارز همانهایی که ۱۳ آبان را با خون خود آفریدند و غرب زده خواندن / یعنی زور گوئی عمامه بوسرها و توبه ... کرده ها / عمامه بوسرهایی که امپریالیسم ماشین های آخرین سیستم / ساختمای مملک را در اختیار شان قرار میدهد تا احساسات پاک مردم را بیازی گرفته و مبارزات برحق مردم را بخون بکشند .

پیش پیروی سازمادی

همسایع توده ها

دست امپریالیسم و حمره حواریان داخلی

آنها از منابع طبیبی گمشده ما کوشیدند

به یاد ۱۳ آبان خونخوار

رقفای دانش آموز :

تذکره روز دیگر نخستین سالگرد ۱۳ آبان است . رژیم وابسته قلی که شدت از رشد آگاهی دانش آموزان عراسان بود با انواع حواج از ورود دانش آموزان بدانشگاه جلوگیری میکرد . زیرا دانشگاه از جمله اماکنی بود که فرزندان خلس می توانستند در آنجا با مسافران اجتماعی و مشکلات روزمره توده خادمان سادگی بالاتر آشنا شوند و از آنجا مسئولیتی را که در قیام توده بنا به عهد دارند ترک کنند و به پاس دانشجویان که با باطنی استیغی خویش در راه مردم دانشگاه را برانگیخته و عنوان " سنگسار آزادی " نمودند . رژیم ضد خلقی گذشته میکوشید بهر لریقی که شده از برقراری پیوند بین جنبین دانشجویان و دانش آموزان صافیت بعمد آوری اما آشکار است که با همه محدودیتها این پیوند هرگز قطع نشد و ما مظاهر با شکوه آنرا در مواقعی چون اعتراضات توده ها در مقابل تصمیمات شرکت واحد اثر بوسران در سال ۴۸ دیدیم تا آنکه بالاخره در ۱۳ آبان ۵۷ خون پاک دانش آموزان این پیوند با دانشجویان مبارز و با تمام خلق را جاودانه کرد . تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی خلق ما هر روز شاهد قهرمانان ما و جانبازانهای فراوان توده ها و فرزندان و برادران است برای دفاع از بند ستم و استعمار امپریالیستی بوده است . کمتر روزی در تاریخ ایران پیدا میشود که رژیم دیکتاتور امپریالیسم به کشتار خلق نبرد داشته باشد . اما بعضی از این روزها نقطه عطفی در تاریخ ما می گردند همچون ۱۳ آبان ۱۳۰۵ خرداد ۱۹ بهمن ۱۰ شهریور ۱۳ آبان ۲۱ بهمن ۱۳۰۵ آبان روز پیوند خلق با دانش آموزان است . در این روز گلوله های آمریکائی سینه های خلق را خیره بادانیس . آوزان قهرمان سوزان کرد تا فریاد آنان را خفه سازند . اما زنی خیابان با این بار خلق بیا خاسته بود تا تمام نظام ستم و زبید امپریالیسم و نوکراتسرا در هم نورد و دیدیم که به بر شکوه در ۱۳ آبان خلق این تیساجی ارتجاع را امپریالیسم را با قهر انقلابی خویش باس داد و در تهران و شهرستانها مراکز متعدد تجاری مالی و صنعتی و نظامی امپریالیسم را به آتش کشید . رژیم سفور برای حفظ منافع اربابین تنها یک راه می شناخت و آن هم سرکوب و جانیان خلق . اما سر انجام خلق قهرمان ما وی را ناگام گذارد . بعد از حادثه جنایت بار رژیم در سینما و رادیو آیدان که به بدست رژیم خونخوار پهلوی صورت گرفته بود دولت شد خلق آموزگار در برابر خشم و خورس بیکران خلق مجبور به استعفا گردید . و شریف ادبی نوکر کهنه کار امپریالیسم تصد عنوان دولت آشتی طلوسی " به روی کار آمد و با وعده های شیرین و لذتی امیرعباس بنارنگ با استدلال طی وعده های شیرین را به خلسه و شادی فروری برد .

اما با این وعده ها خلق را فریاد نبرد تحت تاثیر تبلیغات سو اینگونه رهبران / خلق به ارتجاع خلق گذر داد اما جرایم را با کشته گرفت جنایات هولناک رژیم خیلی زود ماضیت این گونه تبلیغات و وعده های رهبران را نشان داد . امپریالیسم وقتی دید که با این گونه وعده ها نمیتواند خلق را بفریبید در ۱۷ شهریور حمام خونی را پدید آورد و خط پایانی بر اینگونه فریبها کشید .

بعد از حکومت نظامی اینبار دانشگاه تهران مرکز تجمع مردم گردید و خلق با شعارهایی چون " ارتض خلقی بیا میکنیم همین خود را رها میکنیم " رهبران ما را مسلح کنید " عزم وارنده " خویش را برای بوجود آوردن ایران آزاد و مستقل نشان داد و هشت صحنی بر نشان رهبران سازشکار زد . اما چرا دانشگاه توده ها را بسوی خود جلب کرد ؟ زیرا دانشگاه با پروراندن بهترین فرزندان خلق در عهد خود که طی یک رشته مبارزات بر علیه رژیم مزدور / در گذشته کردن

به دست امپریالیسم کوشیده بودند / خود را بعنوان گامواره آزاد یخواهی و مبارزه با ظلم و ستم شناساندن بود مگر در ۱۶ آذر ۱۳۳۳ نبود که دانشجویان قهرمان در تظاهرات ضد امپریالیستی سه شهید به پیشگاه خلق تقدیم داشتند و مگر در سالهای که رهبران " آزاد یخواه ملی " به کارهای خویش مشغول و منتظر عنايات شاهانه واصلای آزادی از جانب امامحضرت بودند این دانشجویان نبودند که مبارزات ضد امپریالیستی را تداوم بخشیدند ؟ مگر در جنبش سالهای ۴۶-۴۷ کردستان این اسامعید شریف زاده دانشجوی قهرمان کسود نبود که بار دیگر وفاداری دانشجویان یان را به خلق ثابت کرد . مگر با آغاز مبارزه مسلحانه و حماسه پر شکوه سیانگ در ۱۹ بهمن ۴۹ دانشجویانی همچون مجید احمد زاده / سپهریسا و نبودند که با پیوستن به سازمانهای پیشانگه راه خلق را برکنند ؟ مگر با اوچگیری جنبین نوین خلق شاهد تظاهرات و اعتراضات سراسری دانشجویان در سالهای ۴۹-۵۰ نبودیم که بارها شهید همراه بود ؟ در جریان مبارزات دو سال اخیر که رژیم هر روز فرزندان خلق را به خاک و خون می کشید این دانشجویان بودند که با نثار خون خود پیوند خویش را با خلق مستحکم تر می نمودند همان روزهایی که رهبران مدعی بدنیان هر گشتار رژیم فرمان عزا میدادند و اظهار امیدواری میکردند که انشا اله این آخرین عزای ملت است و به خلق نمی گفتند که باید جواب خون را با خون داد .

آری امپریالیسم شدت از این اقبال توده ها به دانشگاه بیگانه گشته بود پس تصمیم گرفت تا با توسل به سلاح عسکری خویش سرکوب و کشتار مبارزات خلق را برهم خود خاموش کند . همه کسانی که آنروز دانشگاه تهران را بیجا کردند میدانند که چه حماسه پر شکوهی از قهرمانان و جانبازان خلق کبیر ما آفریده شد که تشریح آن با عیب و نگارش آن با هیچ قلمی مقدور نیست جمعیت با دست خالی در برخورد با دشمن تا دندان مسلح موج وار عقبی نشست تا موج بعدی پیشروی را با قدرت بیشتری آغاز کند و سرانجام دفتر مبارزات در آرزوگاه خلشن در آنروز مبارزات دانش آموزان دلیر را با قلعه خون سر آنان در دل خویش ثبت کرد .

بعد از تحویل گشته ضابط تمامی اقتدار و طبعات مردم و در رأس آنان دانشجویان و دانش آموزان / این گردانندگان آینده مملکت میخواهند با شان تحصیلی جدید را با شکوه هر چه بیشتر و با تکیه بر تداوم مبارزه آغاز کنند اما رژیم که پیشتر قهرمانی خلق کرد است این اجازه را نداد . دانش آموزان در تمام سختیهای مبارزه دست رفقای دانشجوی خود را افشردند تا با حمایت از آنان دست یابی به پیروزی دیگر این بهترین فرزندان خلق قربانی ترطه های امپریالیسم نشوند اما امروز همین فرزندان " علی احسن " تا عید غدیرت خلقی جلا اندام میگردد .

رقفای دانش آموز :

شما خون دادید تا در آینده مملعین چون صد بهرنگ را در کنار خویش داشته باشید . اما امروز مملعین چون هرگز گری بیانی را در دفتر ۲/۵ ساعت خاکه و تیرباران میکنند . اینست که امروز بار مسئولیتی عظیم بر دوش شما منگین میکند . باید در جستجوی آن باشید که بفهمید چه وقایعی در صحنه مان میگردد . چرا فانوسهای آمریکایی خلقها را سرکوب میکنند ؟ چرا روزنامه های آزاد یخواه اجازه انتشار نمی یابند ؟ چرا باز هم با امپریالیستها قرارداد های جدید بسته میشود ؟ چرا افراد را بجرم چاپ و پخش اعلامیه دستگیر میکنند ؟ چرا عروزی حق از حقوق خلق پایا میگردند ؟ چرا بعد از آزادی سیاسی در کلاسها را ممنوع اعلام میکنند ؟ چرا البته باید در برابر اینگونه اقدامات با همیاری عمل کرد . باید عمواره و با وسواس در درک حقایق کوشید و ویرای گام برداشتن در راهی که به آزادی خلق بیانجامد به رهنمودهای انقلابی توجه کرده آنها را دقیقاً " بکار بست .

چه بسا از توده های مردم که از جنایات ارتش در کردستان بی اطلاعند . رسانه های گروهی سر سر برده نیز با تبلیغات کور و کسر کننده واقعیات را متکوسر جلوه میدهند . بهین دلیل آن بخش از هم میهنان که نوک تیز سر نیزه های ارتش مزدور را هنوز بر سینه های خفوش حس نکردند تحت تاثیرات "شیرت سو" این درو پر از بیهوشی بشیرمانه / ماهیت واقعی این ماشین سرکوب بر درستی نشانخته اند . اعلامیه زیر که از طرف "سازمان انقلابی رزمندگان کردستان ایران" منتشر شده قدس است در راه افشای این نهاد ضد مردمی .



ارتش سرکوبگر است برادر ما نیست

هم میهنان مبارز :

خلفای باختر ایران از آن جمله خلق مبارز کرد در جریان مبارزات خونین و حق طلبانه خود این درس تاریخی را یاد گرفته اند که "ارتش سرکوبگر است" که ارتش با تمام امکانات خود علیه خلقهای مبارز جنگ / با فانتومها / هلیکوپترها / تانکها و تانکهای جای حرمانت مرزها و حشیانه به خلقهای مبارز ایران حمله میکند و ظیبهائی را که بخاطر این مرز و بوم می طلبد نشان میدهد و سنگسوز خیابانها را با خون شهیدانم رنکین میسازند . حوادث میدان واله تهران کشتار خونین سیدالنج / ترکمن صحرا / ننده / خرمشهر / میروان / پاره سقر / و صهاباد همگی بانگ بر میدارند که "ارتش سرکوبگر است"

ارتش تشکیلات سازمان یافته نظامی است که منافع امپریالیسم آمریکا و نوکران داخلی را تأمین میکند / این ارتش یک شبه پیروز نخواهد بود و مستحکم نیافته است بلکه طی سالهای زیادی و در امان و نهالهای آمریکایی و استفاده از تکنولوژی غرب خنجرها "آمریکا" قرام یافته است . دست اندر کاران ارتش دوره های تخصص خود را در آمریکا گذرانده و ذهن آنان و شعور آنان را طرز تفکر آمریکائی بدور از نیاز خلق در مانده ایمان پرورش یافته است . اینها یاد گرفته اند و قسم خورده اند که تا بنده اند غلام حلقه پلوس سرمایه داران آمریکا باشند . اگر ذهن اینان آمریکائی است سلاحی را هم که دست بگیرند از کوچکترین قطعات یدکی تا غول بیکر ترین آنها از زراد خانه آمریکا ویا مهر آن خارج شده است اینان با خصوصیات فون با حقوقهای گزاف بر عیسی ترین زندگی را میگذرانند و در بانکها / کازینو ها و مناطق تیر زمینی سرمایه گذاری میکنند . از سوی دیگر کارگران و مخصوصا دهقانان را به سر بازی میکشند تا خون برادران

خود را بخاطر نیات پلید آنها بر زمین ریزند اینست که در ارتش بین رده های پائین و بالا همبستگی وجود داشته و دارد . این ارتش انگلی است بر بیکر اجتماع که همانند زالو بدون اینکه در تولید اجتماعی کوچکترین شرکی داشته باشد مصرف کننده است . همانند خرس اشت که فقط میخورد و حمله میکند همسر جا که منافع امپریالیسم و نوکران داخلیشان مورد تهدید واقع شود . گزینت حمله میکند و از قتل و هلاک اهل بی دربار . درجا خلع بیا خیزد و خواستار حقوق انسانی خود شود همچون بی برد . این ارتش تا منتر استخوان آمریکائی با نام نوکران داخلی آمریکا نام گذاری میشود . اگر این نوکر داخلی شاه زندام شاهنشاهی باشد نام آن "ارتش شاهنشاهی" و اگر رژیم جمهوری با اصطلاح اسلامی است ارتش "جمهوری اسلامی" نامیده میشود بدون اینکه ماهیت ضد خلقی آن تغییری یافته باشد .

و اما پاسداران و مجاهد نامها : اکثر اینان گروههای بی شکل سازمان نیافته ای از جوانان مضمرب و فریب خورده هستند که با قصد جنگ لفظی کفار "دوایا کردستان سرزمین کفار است" و عوامل پالیسیان راهی کردستان شده اند اینان در طول سالهای دراز و بی شیوه ای منظم برای جنگ آماده نشده اند بلکه یک شبه مثل قالی روئیده و تفتیده بدست بیجان ما آمدند . ولی بالاخره بعد از جنایات فجیع و وحشیگری هائی نظیر "حوادث قارنا" تمرد ای از آنها در خواهند یافت که کردستان سرزمین کفار نیست بلکه سرزمین مبارزین مسلمانان است / که کردستان سرزمین پالیسیان نیست بلکه سرزمین مبارزین است که مبارزه دیرینه خود را همچنان ادامه میدهند درست است که اینان در لحظه فعلی نیز دشمنان ما هستند و کشتار میکنند ولی اگر سریع آمدند سریع هم گور خود را کم خواهند کرد زیرا :
۱- در خواهند یافت که آنها را فریب داده اند .

۲- در برابر پیشمرگانی که بیشه به بیشه / کوه به کوه و کرجه به کرجه کردستان را آشنا هستند پیشمرگانی که در جریان سالها مبارزه در کوره جنگ پارتیزانی آبدیده شده اند . قدرت رژی ندارند همچنانکه هر شب شاهد نابودی تعدادی از آنها هستیم . اینان پیشقراولان بروکرت ارتش هستند که ما معتقدیم . پاسداران و مجاهد نامها دشمنان تاکتیکی ما هستند ولی آنچه سازمان یافته است / آنچه که تا دندان به مدرنترین سلاحها مجهز است آنچه که تا به آخر در جهت حفظ سرمایه داران و تدوام غارت امپریالیسم و بالاخره آنچه که ماندگار است ارتش است . نیرویی که ما را واداشت نتوانیم بصورت دراز مدت از شهرها دفاع کنیم و نتیجتا "شیوه جنگ پارتیزانی" چه در شهر و چه در روستا / را انتخاب کنیم / مجاهدین و پاسداران نبودند این تانک و توپ و فانتومهای ارتش بود . مجاهد میروود ولی ارتش سرکوبگر تمام قدرت خود را در برابر ما می نمایاند و ما جبراً با جنگ طولانی با وی روبرو خواهیم شد به این دلیل که ما معتقدیم ارتش دشمن استراتژیکی ماست . تا زمانیکه ماشین دولتی و از جمله ارتش تلاشش نشود سختی از بیرونی نمیتوان بر زبان آورد . در ایو توپون و ملیبووات سر سیرد همیشه فریب افکار عمومی بانگ بر میدارند که "ارتش ملی است" / "ارتش برادر ماست" مگر ارتش با وحشیانه ترین شیوه به جنگ خلق نمیرود ؟ خلق را با راکت بمباران نمیکند ؟ و مگر قرقی ها و مدنی ها این نوکران شناخته شده آمریکا میتوانند در راه ارتش ملی قرار گیرند ؟ همان شمارهای عوامفریبانه بود که مانع شد در اوج قدرت خلقها و نیروهای مبارز نتوانند یادگانها را مخصوصا در کردستان خلق سلاح نمایند .

بر خلق پوشیده نیست که در چهار جوب ارتش ضد خلقی در یازان / درجه داران / و افسران انقلابی و میهن پرست وجود داشته و دارد که میتوانند و باید به صفوف انقلابی خلق پیوسته و علیه ارتش رژیم مبارزه نمایند این مسئله را تاریخ و وقایع ۲۲ و ۲۱ بهمن تجربه کرده و صحت آنرا اثبات نموده است .
هم میهنان مبارز :

حاج باید از این اشتباه بزرگ بر حذر ماند ارتش و مجاهدین هر دو سر و ته یک گراستند و باید با هر دو مبارزه کرد .

اخبار و گزارشات

خلخالی و کود کبر

یک نفر که شاهد محاکمه ۲۴ نفر در سقز بود بازگو می‌کند که وقتی من رسیدم خخلالی داشت پسرک ۳ ساله ای را محاکمه می‌کرد. او پرسید تو که اعمی بوکان هستی در سقز چکار می‌کنی؟ پسرک جواب داد: «بره که در بوکان بگر فروشی می‌کنم». بر اثر تیر اندازی مجرمی شد و به بیمارستان انتقال یافت و پاسداران از بیمارستان مرا اینجا آوردند. خخلالی یک روز کلاغ را چهار تکه کرد و روزی یکی از آنها نوشت: «الله اعلم» و آن را به پسرک که سواد نداشت ابتدا نمودار است که حکم چیست ولی وقتی اطلاع یافت با اینکه مجرم بود و با برانکار به پیدادگاه آورده شده بود بلند شد و بصورت خخلالی تعدادی تفریحات که در این موقعی است از او پرسیدند. خخلالی گفت: «مهربان بودم و پسرک را با خودم همراه ۲۳ نفر دیگر که محاکمه آنها در پیدادگاه همس - اسلامی خخلالی جیسا» یک ساعت لبو کشیده بود اعدا پشتها (نق از شب نامه کجته لهر شماره ۴)

در روز ۷/۱۶ نماینده شورای اسلامی کارگران ماشین سازی کاتر پیلاز امواز مخالفت خود و شورانگیزت بکار کردن در روز پنجشنبه اعلام می‌دارد که تا کپهان مورد حمله نیروی ویژه کارخانه قرار می‌گیرد و از پشت بر سر وی ضربه می‌آورد می‌کنند که تا زمان درج این خبر (۵۸/۷/۲۱) در حال پیهوشی بسر می‌برد.

مردا : تولید کارخانه میرا بدتی است که از ۷۰ دستگاه در روز به صفر یا حد اکثر ۳ میا ۵ دستگاه رسیده است. مسئولان کارخانه مرتبا به کارگران قول رسیدن مواد اولیه و قانسه را می‌دهند و میگویند که قیامات در لهر خرمشیر

ذواییده است. لازم به توضیح است که در اکثر کارخانه‌های انحصاری سازی بخت کمبود مواد اولیه و قیامات تولید به حداقل وقتی در مواردی به صفر رسیده است. کارخانجات مهمات سازی با حد اکثر ظرفیت کار میکنند. بر اساس بت خبر رسیده در قسمتی از کارخانجات مهمات سازی سلولیت آباز روزانه ۶۰۰۰۰ جعبه فشنه و مقادیر قابل توجهی مواد ولوازی جنگی ساخته میشود تولید کوبنی سه برابر تولید سالهای قبل است. لازم به یاد آوری است که بیشتر مواد اولیه این

کارخانجات از آمریکا تسهیم میشود. (۱۲)

دولت آمریکا دیدانید دولت موقت ملی بختنامه - ۲۰۱۹۱۱ به وزارتخانه ما و موسسات مستق دولتی ۱۳۵۸/۱/۱۱ به امانت نخست وزیر بازرگان خواستار باعطالاج "پاکسازی"

سازمانهای دولتی از آنان که "انتقادهای ضد انقلابی" و "خرابکاری" میکنند / شد. توده های میهن ما می بینند که چه گوشه‌های عظیمی بخرج داده میشود تا این سازمانها وضعیت مردمی سابق خود را کاملاً حفظ کنند و تا آنجا که نیازات داده ما امکانها فراهم می‌آورد دست به ترکیب آنان زده نشود لذا معلوم است آنان که "انتقاد - ضد انقلابی" و "خرابکاری" میکنند / کسانی هستند که تنها برای بشهر رسیدن انقلاب خونین مردم خواستار دگرگونی کامل نهادهای سابق هستند. بهر حال بدینوسیله با اطلاع میرسانیم که خانم فاطمه توکلی بسمت سرپرست کمیته "پاکسازی" شهرستان ساری منصوب گشته است.

در مورد حصران : در فروردین ۵۶ یعنی درست در زمانیکه عده‌ای از رعبوران

شمار ارتش را در ماست شمار می‌آرین نیست / شماری است که از دامن رژیم بختان مزلزلها، خرید و از آنجا به سلامت آگاهانه به میان خلق می‌روند در این میان مزدوران صلی (جاشها) موقتیت خاصی دارند. ارتش و جاشها در میان خلق را نمی شناسد. کوجه خا / خیابانها / کونسا و نامات را نمی شناسد. بنابراین به ضرورت نا اعدای این نهاد است این بیگانه با چشم گویای لاله به گما می رود. اثر از انداختن و رفتن نقدانته باشد + اینست که کورمان کورمان بدنیان جاشها می‌روند. راستی جاشها کیست؟ وانگیزه‌اش از جاشگری چیست؟ جاشها خود فروخته بود و ملن فروشی است که شرافت انسانی و ملی خود را فدای کالاه بازار فرشی می‌برد و دشمن به از او بزرگتر نیست. آنرا خریداری میشود.

مات کرد همچنانکه با فاشیسم روبرو است تا دشمنان داخلی خود (جاشها) نیز دستور پنجه نمی‌کند. دشمنان کسانی هستند که از او بگری خلق می‌ترسند. بی تنگه عوفان خشم خلق تیران قدرت آنان را می‌بندد. خاشاکین دیگری نیز وجود دارند که زندگی غازی آنها انگلی و دغا خفته بوده با امکانات مالی می‌توانند بدون کار کردن و زحمت کمیدن و با شارلاتانی و خوش خدمتی به این وان به عین و نوس بر گرفته اند. اینان نیز برای تبخیر شدن به جاش زمین مساعدی دارند. تا شاید از این راه بهما خفتن و نوس خود را هزینه بهتر زمین کنند. به اعتقاد ما وجود این جاشها خیلی خرابکارانک تر است و در هر لحظه و هر امکان باید برخورد انقلابی و قاطع علیه آنها داشت. جاشها باید بدانند که رژیم لروان کتلی بر خلاف واهی آنان بر اثر جنشهای توفنده خلقهای ایران بزودی از صحنه خارج خواهند شد و آنها چه زنده و چه مرده برای همیشه در پیشگاه ملت و تاریخ خرسند انگنده و بسوا خواهند شد.

مردم می‌باید ارتش ضد خلق و سپاه تانار زمان (سپاه پاسداران و مجاهدین لایق) سر انگنده و سر نکلون بسازد جاشها و مزدوران به افراشته بسازد و بر جیم خونین مبارزه آشتی ناپذیر خلقی کند. مستحکم بسازد بیونود مبارزات خلقهای ایران

ارتش خلقی پیامی کنیم میهن خود را رها نمی‌کنیم

مردم می‌باید ارتش ضد خلق و سپاه تانار زمان (سپاه پاسداران و مجاهدین لایق) سر انگنده و سر نکلون بسازد جاشها و مزدوران به افراشته بسازد و بر جیم خونین مبارزه آشتی ناپذیر خلقی کند. مستحکم بسازد بیونود مبارزات خلقهای ایران

حقوق کارمندان را به نسبت زیادی بالا برده و مقدار پولی بمنوان ماه تفاوت حقوقی به حساب آنها واریز نمود در صورتی که کلیه کارگران اگر هم اضافه حقوقی داده شد در سطح نازل بود است که بهیچوجه تعینات جوابگوی ...

احتیاجات آنها باشد حسن نیت به سهم به سر کار گذاردن دوباره افرادی مثل دیاست که حقوقشان به چند ده هزار تومان میرسد و در دوران گذشته در ۱۰۰ هزار کارها قرار گرفته بودند روز جمعه ۷/۱ کارگران بعد از راهپیمایی در دانشگاه نفت تجمع نمودند شخصی وابسته به انجمن اسلامی کارکنان صنایع نفت آبادان یک سخنرانی حدیثاً بیست دقیقه‌ای را ایراد نمود که در ضمن آن به مسائل فوق در مورد اعطای نوبت اشاره کرده و خواهان برکاری و حتی حاکمه وی گردید .

او ضمن صحبت‌های هیجانی (نق به معنی) : " آقای نوبت در دوران ریاستش هیچگاه نتوانستیم نتوانستیم نخواست که آن روابط طاغوسی سیستم سرمایه داری وابسته را از زمین برداریم او معتقد است که ما باید از نیروی تخصص همه افراد حتی طایفیان هم استفاده نمایم تا چرخ اقتصادی مملکت دوباره بگردد . او با این طرز فکر میخواست تمام دستاوردهای انقلاب ما را که همان از زمین بردن تبعیض طبقاتی بین کارمند و کارگر است بنام خود بکشاند اگر هدف ما صرفاً احیای امور اقتصادی باشد و این مسئله (تبعیض) توجه نکنیم پس وضع چه فرقی با دوران طاغوت دارد ؟ ما نمیکنیم کدر خلال مدت این ۷۰ ماه بی استیصال کارها انجام می گرفت و مسئله تبعیض پایان می یافت ولسی لاط در این مدت باید چند نمونه از کارهای درست وی (نوبت) را دیده باشیم در اوایل ورود کارگران به دانشگاه یکی از کماهایشان " حسن نیت " نامیده گردید . این شعار مورد قبول چند تن از دانشجویان واقع نشد و حتی آنها (دانشجویان) معتقد بودند که حسن نیت : استنباط کرده برخلاف کارگران که معتقد بودند وی (خیانت) کرده است . این تفاوت تصور باعث مهاجراتی گردید . زمانی که سخنران صحبت میکرد یکی از تن دانشجویان سعی نمود که بعنوان پاسخگو خود را به ترمیم برساند ولسی پاسداران حاضر در آن جلسه او را از محل بیرون کردند هیچیک از کارگران حرف آن دانشجویان را نشنیدند ولسی در جهت بوی امترا نمودند که از جلسه خارج شود .

در آن روز یکی از کارگران اعتراض کرده میگفت : " با هر کس که رهبر میشویم میگویند شما دیگر چه اعتراض دارید هم مقداری واپس بردن بهره گرفته‌اید و هم بیرون مسکن و از این حرف‌ها ران نمی‌انند که با این وام مسکن حد اکثر ۲۰۰ هزار تومان چه باید کرد و با این شند رفاقت هزار و پانصد تومان پول کرایه خانه چه کسی با شش هفت سرعائله می‌تواند یک خانه را درست کرایه کند ؟ دو صد هزار تومان رقم دهن پرکی است ولی اگر نگاه کنی همین خانه‌ای را نمیتوان امروز این قیمت خرید ملک خانه کوچک که بدر دیدن زن و مرد و یک بچه میخورد : شمار نظریت تفاوت بین ۲۰۰ هزار تومانی که به ما میدهد و ۵۰۰ هزار تومانی که به آن مرد کارمند که یک زن و حد اکثر دو بچه دارد و آن تفاوت حقوقی بین این دو ! " اعتراض به نیت از آن زمان بعد رشد رسید که بازرگان برای نظارت بر کار شرکت نفت به خوزستان آمد و کارگران را در اسارت نفتی آبادان جمع کردند در این نشست بود که کارگران حسن نیت را محسوس کردند .

از جمله اعتراضات کارگران یکی پنجشنبه کاری کارگران روزگاری بود که البته چند ساعت کار در هفته دست نخورده باقی میماند ولی کارگران در شنبه تا پنجشنبه بجای هشت ساعت در روز شش ساعت در روز کار میکردند از ساعت ۷ صبح تا ۲ بعد از ظهر (بجای ۴ بعد از ظهر) و تعطیل در انتخابات نمایندگان که البته اینده مورد در راهپیمایی و اجتماع در دانشگاه نفت آبادان سرپوشیده باقی ماند و از طرف آن سخنران عضو انجمن اسلامی کارکنان صنایع نفت آبادان بارز و نژاد میسرورد دوم (تعطیل در انتخابات نمایندگان کارگران از طرف یکی از کارگران روزگاری در تشریح گردید . موقع انتخابات و تکیه شخصی خود را نداده‌ای نمایندگان می‌کنند اشخاصی هستند که بصورت جاسوس ماعت آن شخص را زبانی کرده و نظریه می‌نویسند و آنها را به کارت نمایندگان را بیج آورده میکنند پس نظار جاسوسان بر روی کارت کاندیدای سواظ قرار گرفته‌اند می‌نویسند صد می‌نویسند فلان نماینده به رئیس می‌نویسند فلان نماینده کس کمونیست است و نظایر اینها و بدین طریق

است که اکثر نمایندگان که رای کافی آورده‌اند انتخاب نمی‌شوند " (کارگران روزنارگیانی هستند که در تمام مدت انتخاب موقع کار میکنند یعنی از ساعت ۷ تا ۴ بعد از ظهر و اکثر آنها جوان هستند کارگران شیفت کار که اکثر اشخاص میان سن و سن هستند مرتباً ۴ روز به ۴ روز شیفت کار عوار کرده و زمین شریف از این مدت (۴ روز) به نسبت شیفت خود یک یا دو ساعته روز استراحت دارند بهیچ غلت است که سبک پنجشنبه کاری برای این کارگران منتهی است) پنجشنبه کاری کارگران روزگاری (اسم از پیمانی و داخلی) قرار بود از او همراه جاری بعورد اجرا د. آی. ولی مقاومت کارگران کویا مانع این کار گردید و دیدیم که در اولین پنجشنبه هیچیک از کارگران به سر کار نرفتند و آنها را هم که رفتند مزد اضافی (آورتایم) دریافت نمودند . هیئت حاکمه برای بکار انداختن شرکتی خصوصی و پیمان با وام‌هایی که میدهند گوش فراوانی نموده است شرکتی پیمانی وابسته به شرکت ملی نفت از طریق " مناقصه " بعد از مدتی بکار افتاد این شرکتها که کار ساختن راه سازی آسفالت سازی - تعمیر لوله های نفتی بین راه ها و نظایر آنرا بر مهندسان دارند که با بیست و پنج بکار میشوند اکثر سرمایه داران این شرکتها در دوران جنبش بوده ها با ارسال مقدار زیادی از سرمایه خود به اروپا و آمریکا فرار کردند و در حال حاضر شرکتهاشان با کمبود سرمایه مواجه شده و بنا بر این دولت مجبور به وام دادن خواست بود . بخش وسیعی از کارگران پیروزی‌های افرادی هستند که با از کار افتادن این شرکتها بیکار شدند در حال حاضر شرکتی پیمانی وابسته به شرکت نفت ملی ویدال و ریونکو که مقدار زیادی از وسایل تولیدی خود را فریخته اند تقریباً از کار افتاده اند . دشمنان با محبت شرکت ویدال یکی از آن کسانی است که موجودی بانک خود را به آمریکا منتقل کرده و خود به آن کشور فرار کرده است شرکت مذکور را بدست پدر خواهر خود (شهسرام) واگذار نموده است این شرکت در حال حاضر اکثر کارگران خود را اخراج و بقا را قیاساً توجهی از وسایل خود را شش ماشین سواری و تراکتور بعمرس فروش گذارده و با فروخته است کارکنانی که هنوز در استخدام این شرکت هستند کارگران قنسی و با حامی‌دارانی هستند که به وجود آنها احتیاج زیادی است و نگهبانان ۲۴ ساعته شرکت مذکور بعنوان کمک یکس از ماشینهای بیسک مکانیکی و راننده اسرا در اختیار جاسوس سازندگی برای حضور جاسوس در روستاهای آبادان قرار داده است .

انجمن سوازی (صنایع فولاد)

کارکنان این مجتمع صنعتی از روز سه شنبه ۳/۷ تا شون (شنبه) دست از کار کشیده و اعتصاب نموده اند بگفته یی از رفقای کارگر از کارگران این مجتمع . اوایل خواسته های کارگران منتهی بوده است حق مسکن اضافه حقوق و ولسی بعد شکل سیاسی بخود گرفت مثلاً یکی از خواسته ها تصفیه شرابها و اخراج رؤسای گذشته مثل حمینی رئیس روابط صنعتی و اشرفی رئیس امور مالی بگفته رفیق مذکور اشرفی در دوران گذشته یکی از کارگران ساده را بدلیل سرقت چند قلعه نفتی اخراج و کلیه کارکنان را بعنوان مجازات از یک روز محروم موقوف ساخته است .

پیمبر روز نمایندگان مبارزات

حق طلبان کارگران

بایلسر

روز یکشنبه ۲۹/۷/۵۸ از ساعت ۹ صبح / حدود ۸۰ نفر کارگزاران/مانا/ در محل سازمان تأمین اجتماعی شهر بایلسر دست به تجمین زدند .
 خراسته کارگران عدورد فرجه میبه خدمات درمانی بود که در تاریخ ۲۱/۲/۵۸ غی ناه وزارت بهداشتی و بهزیستی (و نیز نظرد کرسیای) دستور لغو عدوران داده شد نبود . در خورد اده ۸ کارگران خوزستان نیز برای برخورداری از عزایای این دفترچه دست به ید سلسله اعتراضات و اغتمایات زده بودند که منجر به توقیفشان در دارا شدن این دفترچه شد . اکنون وزارت بهداشتی و بهزیستی "دفترچه میبه های اجتماعی" را بجای دفترچه فون در اختیار کارگران میگذارد که این مورد اعتراض کارگران است .

دخالت مسئولان امروز ستورشان منی برتور سالن/ کارگران را خشمین نمود و آنان تهدید به آتروژن ساختمان و تروکان - نیرو نارمنده ان نمودند . با تاضای مسئولین از شهسریانی / -ند ما عوربه محب اعزاز پند که اقدامشان به بیرون زانده کارگران موجبات تشدید ناراحتی کارگران را فراهم آورد . کارگران اظهار میداشتند "مش صیادان بندرانزلی تمام بایلسر را به آشوب میکشید از مرت نیترسیم" .
 مسئولین اداری میبه تأمین اجتماعی بایلسر که قدرت بر آوردن خواسته کارگران رانداشته و از سوی دیگر تحت فشار شدید آنها واقع شده بودند تصور تجلسه ای تهیه نمودند و از کارگران تاریخ ۵/۸/۵۸ مهلت خواستند تا سازمان بیعتامین اجتماعی اقدام به عدورد فرجه مورد تاضانماید .
 کارگران با اظهار آنکه در صورت تحقق نیافتن وعده/ ساختمان راه به آترو خواهند کشید / در آخرین ساعات اداری از ساختمان خواب شده عوبه سرکار خویر بازگشتند .

روزیست
 روز سه شنبه ۲۴/۷/۵۸ حدود ۷ تا ۱۰ هزار نفر از بیمه های بیکار به همراه کارگران بیکار جلوی اداره آموزش و پرورش رشت جمع شده بودند تا بر علیه بیکاری/تور/ گران تظاهرات ور .
 راهی میبای بر اه اندازند . البته از دیبله های بیکار سایر شهرستانهای استان کیلان نیز برای شرکت در راهپیمایی دعوت شده بود . در حالیکه پلاکاردهائی با این عنوانین "کارگران صلح ماست" / "سرمایه داران بیکاری است" / "دولت انقلابی وعده پس است/ عیب کن" همراه داشتند .
 مرکز شهر (شهرداری) بر اه افتادند .

تزدیک سه راه حاجی آباد "عدهای رحدود دوستالی سیصد نفر) جلو تظاهر کنندگان سبز شدند . آنان که به چنان و دافتر صلح بودند با شعارهای "حزب فقط حزب الله" / "فدائی خودهای انگل اجتماعی" / واقعه انزلی توطئه فدائی "سعی در بهم زدن نظوا میبایان نمودند ضمن آنکه به عکاسان نیز بیرون برد و دوربینهایشان را از دستانتان خارج کرد و آنها را شکستند این عده به این حد اکتفا نکرده به تظاهر کنندگان نیز حمله کردند و سیلا- کاردها و بلندگوی آنها را خورد کرده و تلاش کردند جمعیت را متفرق نمایند در گریه در حمله آنان عدهای از بیکاران زخمی شدند خصوصاً یکی از آنها با - اقرسختی مجروح شد فرد مجروح در حالیکه خون از بدنش جاری بود عدها شعار میداد "مرتب فاشیست / اینست بند جنایتوزیم"

در این حال بیکاران شروع به سازندگی خود و مقابلیه با "حزب الهی ها" کرده بایک بیرون آنها را عقب راندهند - "حزب الهی ها" بیسرعت تغییر مکان داد و خود را بجای بند تظاهر کنندگان رساند و شروع به پرتاب سنگ

بوقرار بیاد همبستگی همه زحمتکشسان

انقلابی بیرون مجری طلبنده کارگر

بسی جمعیت کردند در این بین پر از چند دقیقه شور و تباد نظر بیکاران مجدداً "بطرف گروه فشار" حمله کردند این حدها چنان با قاطعیتو برقی آسا صورت گرفت که حزب الهی ها "جا خوردند" و وادار به عقب نشینی (به صورت فرار) گشتند بیکاران به عده ای از آنها رسیده گنگ جانانه و فضلی نثارشان کردند . بگفته یکی از شاهدان آخوندی - لیسو لورده نمودند . در جریان زد و خورد ها چند نفر از بیکاران نیز زخمی شدند .
 در این موقع جمعیت بیکاران برای آنکه قدرت نظایله با حمله کنندگان را داشته باشند خود را به عروسینه ممکن از قبیلله "جوب و پاره آجر صلح نمودند" .
 "بمازه داران شروع به بستن دکاکین خود نمودند . تظاهر کنندگان در حالیکه شعرا میدادند "زنده باد خلین کرد امروز کردستان فردا نوبت ماست" / "انزلی غرق بخون شد / موت بر دولتمتراجلسن" / "کارگر انزلی راحت اده دارد" به شهرداری رسیدند . و از آنجا از طریق خیابانهای امیر کبیر/ طالقانی / سردار جنگل و لاکانی بسوی استان ابریفته در آنجا تجمع کردند . در این موقع یکی از کارگران از درختی بالا رفت و با صدای بلند شروع به صحبت نمود : "همانطوریکه میدانید استاندار از کارگران دولت نماینده سرمایه داران هست پر گفتند در میان شخص عینی فایدهای ندارد مسلماً این درختنی تواند خشک ما را حل کند پس ما بپلوت شهرداری میرویم و قتلخانه خود را برای مرد میخوانیم تا آنها نیز بپلوت ما بهتر آشنا شوند"

با گفته این کارگر عینی بپلوت شهرداری بر اه افتادند . در بین راه عدهای از خانواده بیکاران عدهای از محصلین نیز با آنها پیوسته لذا رفیکه به محل شهرداری رسیدند عدها از "حزب الهی ها" با سنگ منتظرشان بودند پرتاب سنگ این "حزب الهی ها" با جواب مقابلیه تظاهر کنندگان رو به رو شدند و منجر به فرار گروه فشار "از سه طرف" خیابان سمدی - لوجه شمشل اردیبهشت - خیابان شروستی سمت شهرداری و همچنین خیابان خمینی) گشتند .
 تظاهر کنندگان عدهای از افراد "گروه فشار" را تا درب شهرداری تعقیب نمودند که در این وقت سیاه پاسداران و متصدین در شهرداری شروع به تیر اندازی عوالتی کردند و همچنین به پرتاب گاز اشک آور عبادرت ورزیدند . تظاهر کنندگان اقدام به سوزاندن لاستیک نمودند تا اثر گاز را خنثی کنند .
 "مادر یکی از بیکاران بطرف شهرداری میروید و فریاد میزند "شلیک کنید بزنید" و "خواب به جمعیت که میگویند بگنید" / "بگذارید مرا بکشند" عدهای از تظاهر کنندگان او را کنار کشیدند . پسر جوانی در حالیکه فریاد میزد "ای مردم چرا کرد ما را میکشند مگر آنها آدم نیستند؟ مگر جز آزادی خود برای چیزی ندارید بپلوت ما هم باید بچنگیم" / "ضمن صحبت تشدیداً "عاشق و ناراحت شده بود و اشک میریختند .
 سپر تظاهر کنندگان در خیابان امیر کبیر جمع شده و قتلخانه خود را دایر به حق صلح داشتن کار و برسعیت شناختن اتحاد میخورد و سرکار کاردن بیکاران از طریق اتحادیه بیکاران قرائت نمودند . شعارهائی که در این تظاهرات نوازه میشد از اینقرارند

- ۱- کارگر حق صلح ماست
- ۲- مرت بر استنادار حای سرمایه دار
- ۳- خدخالی روانی اقدام باید گسود
- ۴- امروز کردستان فردا نوبت ماست
- ۵- مرت بر سرمایه دار عاس بیکاری ما
- ۶- ایران/ خدخالی توکران امریکا
- ۷- اتحاد اتحاد کارگران اتحاد
- ۸- اتحاد اتحاد بر علیه سرمایه دار
- ۹- کردستان بیروز است ارتجاع نابود است
- ۱۰- عدورد خلین ایران بر روزندگان کردستان
- ۱۱- کردستان کورستان فاشیست است
- ۱۲- اتحاد بیروز است ارتجاع نابود است
- ۱۳- سانزلی انزلی غرق بخون شد
- ۱۴- کارگر انزلی راحت اده دارد

مردان بر راه پیرو بیابان و همگامی ای زنجیرش

سار

خروجیان هنرستان صنعتی ساری به اضافه شدن سه ماده ریاضی / فیزیک / و شیمی به مواد درسی آنها مقرر شده است. حدود پنجاه است که در بعضی ناهلوسم بصر میگردند. هنرجویان برای دست یافتن به خواستههای خود از این هفته قبل از ۲۸/۷/۵۸ (۵۸) از حضور در کلاسها خودداری کردند. اعتراضات فزون که در روز پایتخت آنها در سالهای قبل جزو برنامه نبود هنرجویان را با مشکلاتی روبرو کرده است. گروهیک از عهده آموزش آنها بر نیاورند آنها معتقدند برای یادگیری این مواد میبایست قبلاً مقدماتی را طی گذراندند. این موضوع اعتراض هنرجویان را در سراسر کشور بخصوص در تهران و تبریز برانگیخته است برای ایجاد هماهنگی / قرار شد نمایندگان تمام هنرستانهای مازندران در هنرستان صنعتی ساری جمع شوند ولی نشستی قلمبندای ای با مضمون واحد برای همه شهرها تدوین کنند. این برنامه روز پنجشنبه ۲۸/۸/۵۸ اجرا شد. روز شنبه ۵/۸/۵۸ پس از آنکه رتبه نواخته شد دانش آموزان بسر کلاسها نرفتند و در مقابل مسئول هنرستان که از آنها میخواست بکلاسها بروند / اعلام کردند "جهت نوب به اهدای خود از این لحظه دست به تحسین در حیا نه هنرستان میزنیم" اما پس از اندکی گفتگو و مشاجره لفظی که بین نماینده و هنرجویان در گرفت قرار بر آن شد که تحسین از روز یکشنبه شروع شود. "ما" سفاهت حرکت بچه ها به دلایل چندی نتوانست از هماهنگی از بر بخورد و حتی از فراغت حریان اعتراض هنرجویان ارومیه که قرار بود برای تأکید بر جمعیت هنرجویان سراسر کشور خوانده شود جلوگیری بعمل آمد. آنده هنرجویان را آزرده خاطر می ساختند. پشتیبانی معلمان بود که بدون توجه به مشکل هنرجویان / هر روز پس از حضور در مدرسه / کسی پس از شروع ساعت اداری / هنرستان را ترک میکردند و هنرجویان را در این حرکت اعتراضی تنها میگذاشتند.

از سوی مدیر کل تولهایی صبی بر وفق مشکند هنرجویان پتان داده شد.

سار

در روز شنبه ۵/۸ ساعت ده صبح استاد یوم تختی در حالیکه هنوز لخته بر جمعیت افزوده میشد / صرفت تا شامد اولین گردیم آقی قان التحصیلان بیگار سار و چند شهر دیگر از این استان باشد در یک طرف استاد یوم ملو از آقایان و طرف دیگر جایگاه خانها بود در سیرستان های بالقانی "و" جامع برای جمعیت مد ابر خود را تعدیل کرده بودند و به مناز خود رفته بودند.

اما تعدادی از دانش آموزان فریب خوردند "پانزده تیا شانزده ساله در میان دبلیه ها دیده شدند که با تعدادی پاسدار (در لباس شخصی) و به سرگردگی دونفر معلوم الحال بنام محسن محمدی و احمد خوش اندام و پنج نفر دیگر گروهی را تشکیل داده بودند. جمعیت حدود هزار و پانصد (۱۵۰۰) نفر بود که در تا بعد و پنجاه نفر از آنان دختر و بقیه پسر بودند.

تعدادی از پسران از گلگاه و شهر و نگاه آمدند و تعدادی از حرکت از شهرهای شاهی و بابک فکد یک نمایندگی در میان این جمع دیده میشد. ابتدا یکی از دبلیه ها خوش آمد گفت و بعد از گرد هم آقی را تشریح کنند. سیر من پسر از سخنرانی ما خوانده شد که حکایت ناز محمد دولت داشت و تعدادی از آن هم میان قسار التحصیلان بصورت اعلامیه پخش شد. بعد از آن نماینده بابک اقداماتی را که دبلیه ها برای یافتن آگر در این شهر انجام داده اند بر شمرد. در پایان سخنرانی با کد ورن دبلیه ها روبرو شد. آنگاه شخصی بنام نماینده "نکا" (البته دبلیه های نکا" نمایندگان اوز از بنوی خود انکار میکردند) با ابرار خود شروع به سخنرانی برای جمعیت کرد. در میان سخنران او اینها مفاصم بگویند میسرید.

"باید صبر داشته باشید" "تا سرمایه دار نباشد" "ملکت هم نیست" سخنرانی او با "همو" تماشاچیان و فریاد الله اکبر گروهی که در سخنرانی او نظر "پارازینجی" را به عهده داشتند روبرو شد.

بنام از آن از اقداماتی که در ساری انجام گرفته بود سخن به میان آمد و هنگامیکه نام محسن محمدی بنام توان بر آمد زنده "تحسین در جلوی آموزش روبرو شده شد تا برده بنای داد و فریاد را گذاشت دبلیه ها از او خواستند که بیاید و سخن بگوید ولی او نپذیرفت. پس از اندکی مشاجره که بین دو طرف در گرفت آنها با شلیخ بازی و شمارهای الله اکبر بیجان دبلیه ها رویدند و قصد بر هم زدن جمعیت را داشتند و در اینها بود که دبلیه ها تصمیم به راهپیمایی گرفتند تا ماهیت این نوع افراد برای توده مردم مشخص گردد.

راهپیمایی در همان روز شدید باران آغاز شد و در حین آن شعارهای زیر داده شد

"دولت سرمایه داری عامل این بیکاری" / "اتحاد اتحاد علیه سرمایه دار" / "گرانی بیکاری تا کی ادامه دارد؟" / "پارازینجی با زنگان ما عبرتتان سر آمد."

در انتهای خیابان قارن باز سر و کله آن عده / پیدا شد و راه را بر دبلیه ها بستند اما چون تعدادشان کم بود نتوانستند کاری از پس بیاورند. سرانجام جمعیت به "پا ساعت" رسیدند و در آنجا از چهار طرف محاصره شدند. در میان اشخاصی که مانع خروج و یا ادامه راه دبلیه ها میشدند علی حفری کارمند اوزان و محسن محمدی رجبی عطیلات را به عهده داشتند. آنها مرتباً به توبه های خود فریاد میدادند "نگذارید در بروند" / "مخلصان کبیر"

در میان باران قلمبند خوانده شد و از خانها خواست شد که بروند اما آنها می گفتند "ما تا آخر در کنار شما هستیم" / بالاخره در اثر ابرار فراوان خانها بوسیله چند نفر از جوانان دبلیه از محل دور شدند.

در میان به انتهای خرد رسید و دبلیه ها قصد تفرق شدن را داشتند اما عده ای الله اکبر "گویان تمسکشان نمودند تا اینکه آنها را بچفت بیاورند. عین سلی که در میان شکار میدود. دیده شد که یکی از دبلیه ها گرفتار چهار پنج نفر از آنان گشت که او را گشای بد داخل کویچه ای میبردند تا مورد ضرب و شتم قرار دهند اما او در یک لحظه شانسش توانست از دست آنان بگریزد.

پارازینجی در یک آن تمسک جمعی از سخنرانان این رتبه ناظر تمام این صحنه ها بودند اما حرکتی از خودشان نشان نمیدادند. دو تن دیگر از بیکاران نیز گرفتار و بدون خان ای متعلق شدند که گفته میشود پس از گنگ ورن رتا - نشان کردند. بالاخره جمعیت تفرق شد تا چند روز دیگر گرد عملی دیگری داشته باشد.

در جمعیت جوانی ملت و اتحادی بیکاری با انچه

تا به عنوان صدمه در روز دوازدهم و بیست و پنج انقلابی انتخاب میگرد

ساعت ۱۹ روز دوشنبه ۲۳ / ۷ / ۵۸ رادیو تلویزیون کیلان به کسانی که قصد شرکت در راهپیمایی روز بعد را داشتند هشدار داد که مسئولیت وقایعی که ممکن است احیانا اتفاق بیافتد بعهده برگزار کنندگان تظاهرات می باشد رادیو تلویزیون نیز افزود "گروهی اسلحه موجودیت نموده که تهدید به جلوگیری از برگزاری راهپیمایی نموده است."

تعداد ۵۰ نفر از پاسداران رشت با لباسهای عادی تحت مسئولیت شخصی بنام حاجی راسخی بعنوان "گروه فشار همراه حزب الهی ها" به صفوف بیکاران حمله می نمودند .

شامی

در بسیاری از روستاهای ایران روستائیان بهمت قیام شکوعمند در جریان مبارزات اخیر توانسته بودند موقعا دست زمینداران مفتخور را از حقوق حقه خویش کوتاه کنند . در روستای "کارتیچکلا" از توابع "کیاکلا" نیز دهقانان توانستند الاق پاره ای از حقوق غصب شده خویش را احیا کرده بر سر تقسیم محصور لویبا به نسبت مساوی با زمینداران (حسین عزتی) به توافق برسند . اما با گذشت زمان و قدرت یافتن دوباره ارتجاع دهقانان هرروز بیشتر از حقوق خویش محروم میشدند و اقدامات حاکمیت کنونی نشان داد که دوران بر خور داری دهقانان نیز (چون سایر زعمتکشان) از حقوق حقه شان کوتاه و موقوفی بود . زمینداران مدکور که در این مبارزات مردی قدرت مخالفت با همین خواسته کوچک را نیز نداشتند مشاعده حمایتی که از سوی حاکمیت از امثال او بعضی بیامد با توافق فور از در ناسازگاری در آمد و برای احیای کامل وضع گذشته برای خود از "پاسگاه واند ارمری" جهت مقابله با کشاورزان کمک طلبید .

کشاورزان بی خبر از این موضوع در حال برداشت محصول بودند که یک دستگاه "ریوی" ارتشی با چند درجه دار و سرباز وارد زمین شدند . ورود آنان و تلاششان برای بیرون راندن کشاورزان اعتراض آنان را برانگیخت و چون مشاجره در بین دو طرف به نتیجه نرسید برای حل قضیه کشاورزان بوسیله همان "ریوی" عازم واند ارمری شدند . آنان در بین راه چشم خویش را با شعارهایی چون "مرد بر حسین عزتی" - "مرد بر حاجی حسین عزتی" نشان میدادند پس از رسیدن به محل پاسگاه و اجتماع در مقابل آن دهقانان شعار میدادند که این عمل باعث غصبانیت یکی از خویشاوندان حسین عزتی شد و نامبرده را به درگیری با کشاورزان کشاند . البته این شخص در حمله به روستائیان از حمایت چنان بدستار نبود نیز بر سر خود ابر بود .

بالآخره هفت نفر بنمایندگی از کشاورزان وارد پاسگاه شدند تا مسئله را مورد رسیدگی قرار دهند و در آنجا بود که با اظهارات رئیس پاسگاه روبرو شدند .

پس گفتار رئیس پاسگاه کشاورزان وقتی اجازه برداشت محصول را خواهند داشت که از مقامات بالا اجازه نامه کسب نمایند ! اما مقامات بالا که همواره بر مقدس بودن مالکیت مفتخواران تاکید کرده و حتی با کمال صراحت حدود دستبردطلبی را که به جان و مال مردم زده شده بود قانونی و شرعی اعلام نموده بودند . پس از چه کسی میبایست مجوز گرفت؟ باری نمایندگان نتیجه گفتگوها را با کشاورزان رساندند که مدای اعتراض آنان را بلند کرد . کشاورزان اظهار

میداشتند "مانده من حدم هم شده محصور را برداشت میکنیم" . آنها افزودند "ما قیلا هم نماینده فرستاده بودیم ولی هر بار آن حسین آن بود و کاسه حسین کاسه" و اضافه کردند "ما از همان اول نمی بایست آنها (پاسگاه حسین عزتی) بسا

مسامحت رفتار کنیم حال برایمان درسی شده است تا انقلابی رفتار کنیم"

بهر حال کشاورزان که هنگام کار بر زمین شخص مزبور با مانعی روبرو نشده بودند اکنون موقع برداشت محصول ملزم شدند تا حضور یک

هیئت نفره در زمین و تحقیق و گزارش نتیجه آن دست از برداشت محصول بکشند

تا حضور یک

تا حضور یک

تا حضور یک

تا حضور یک

تا حضور یک

تا حضور یک